

شرق

تیر ۱۳۱۰

صفر ۱۳۴۹

قدیم ترین کتب لغت در ایران

خطابه آقای نفیسی در انجمن ادبی ایران

یکشنبه ۳۰ فروردین ۱۳۱۰

زبانی که ما امروز بدان سخن میرانیم پس از تسلط عرب بر ایران و در نتیجه آمیزش زبان دری با زبان عرب بمروور ایام از نیمه دوم قرن اول هجری ساخته شده است. قدیم ترین آثار مکتوبی که ازین زبان داریم از نیمه دوم قرن دومست و آن منحصراً بچند جمله پراکنده است که مؤلفین ایرانی و عرب در کتبی که بزبان عربی تالیف کرده اند آورده اند. پس از آن در نیمه دوم قرن سوم شعر پیدا شده و دامنه آن بزبان مایبوسته است ولی آثار مدون معتبری که قدیم تر از رمان سامانیان باشد نمانده و ظاهراً پیش از آن این زبان ما زبان ادبی نبوده و اگر هم نظم و نثری داشته باشد چندان جالب توجه بشمار نمی رفته است و فقط از زمان سامانیان یعنی اوائل قرن چهارمست که این زبان در خراسان رواج تام گرفت یعنی زبان ادبی و درباری خراسان و ماوراءالنهر و پس از

ان تمام ایران‌شد و آثار معتبری در آن بوجود آمد . از همان وقت ادبای ایران مردم را محتاج‌بداشتن کتاب لغتی می دانستند که کلمات نا معروف زبان دری یا ماخوذ از زبان پهلوی را در آن کتاب ضبط کنند .

مؤلف کشف‌الظنون کتابی باسم « تاج‌المصادر » در لغت فارسی برودکی اولین شاعر بزرگ ایران نسبت داده است ولی بعقیده بنده مؤلف مزبور اشتباه کرده زیرا که تاج‌المصادر اسم کتاب معروفی در لغت عرب بفارسیست ، تالیف ابوجعفر احمد بن علی مقرئ بیهقی معروف بجعفرک که در سال ۴۴۴هـ رحلت کرده است و هر چند که مؤلف کشف‌الظنون این کتاب را هم بلا فاصله پیش از کتاب رودکی ذکر کرده است ولی ظاهراً چون اسم رودکی ابو عبدالله جعفر بن محمد بوده است مؤلفی که این اسم ونسب و کنیه را درست در نظر نداشته درین باب اشتباهی کرده و با ابوجعفر احمد بن علی در ذهن خود خلط کرده است و اشتراك کلمه جعفر در اسم و کنیه این دو نفر و نزدیک بودن احمد و محمد که اسم جعفرک بیهقی و اسم پدر رودکی بوده است باعث شده که المصادر را از رودکی دانسته است و بعد حاج خلیفه از روی همان تالیف این شبهه را کشف‌الظنون ضبط کرده است زیرا که عادت حاج خلیفه درین کتاب اینست که هر کتابی را خود دیده باشد شرح جامعی از آن کتاب می آورد و اغلب یکی چند سطر از خطبه آنرا در کشف‌الظنون می گنجانند و چون در باب تاج‌المصادر تالیف رودکی این کار را نکرده و فقط بنام کتاب و ذکر اسم رودکی قناعت ورزیده است معلوم می‌شود که این کتاب را خود ندیده و از مؤلف دیگر نقل کرده است ولی مجال نیست که در زمان رودکی کتاب لغتی

تالیف شده باشد و تالیف کتاب لغت در آن زمان و مدت‌ها پیش از آن سابقه داشته است و از اوایل تمدن اسلام در میان مسلمین و ایرانیان معمول بود چنانکه قدیم‌ترین کتاب لغت زبان عرب را «کتاب العین» می‌دانند که در باب مؤلف آن اختلاف است ولی سیوطی که درین قبیل موارد رأی او حجة است آنرا از مؤلفات خلیل‌بن احمد نحوی معروف می‌شمارد که در سال ۱۷۵ رحلت کرده است و پس از آن هم عده کثیری کتب در لغت عرب تالیف شده که از موضوع ذکر ما خارجست، البته هم چنانکه مؤلفین و ادبای عرب در صدد بر آمده اند که برای مشکلات زبان خود کتابی تالیف کنند در ایران هم می‌بایست باین کار پرداخته باشند و بهمین جهة در همان زمان رودکی کتابی درین فن تالیف شده بود و آن کتاب کوچکی بود که مؤلف فرهنگ جهانگیری با اسم فرهنگ ابو حفص و مؤلف مجمع‌الفرس با اسم رساله ابو حفص و نسخه او حفص از آن ذکر کرده و معلوم می‌شود تا سال ۱۰۰۵ که سال تالیف فرهنگ جهانگیری و سال ۱۰۰۸ که زمان تالیف مجمع‌الفرس سروریست یعنی تا اوایل قرن یازدهم و اواخر قرن دهم این کتاب متداول بوده زیرا که هر دو مؤلف مزبور آنرا جزو مآخذ خود ذکر می‌کنند و سروری چهار مطلب از آن نقل کرده است. این ابو حفص حکیم بن احوص یا حفص سغدی سمرقندی همان کیست که در حق او اشتباهات کرده اند و در تذکرها و حتی کتبی که امروز در مدارس ایران متداولست او را اولین شاعر زبان فارسی و آنهم در قرن اول دانسته‌اند و گفته‌اند اولین شعری که در فارسی گفته شد این شعر او بود :

آهوی کوهی در دشت چگونه دودا اوندارد یار بی‌یار چگونه رودا

صرف نظر از اینکه در آن زمان نمی‌توان منتظر شعرا از زبانی بود که در حال ساخته شدن بود دلایل بسیار هست که ابوحفص حکیم بن احفص سغدی در قرن چهارم زندگی می‌کرده و معاصر با رودکی و اوایل عمر عنصری بوده و مدتی پس از مرکز رودکی یعنی پس از سال ۳۲۹ هم زنده مانده است .

یکی از دلایل اینست که شمس قیس رازی در کتاب «المعجم» می‌نویسد که بعضی می‌گویند اول شعر فارسی را او گفته است و در موسیقی دست داشته است و ابو نصر فارابی در کتاب خود ذکر او را آورده و آلتی از موسیقی را نام می‌برد باسم شهرود که پس از ابوحفص کسی نتوانست آنرا در عمل کشد و گوید که او در سال ۳۰۰ هجری بوده است . ظاهراً مراد از کتاب ابو نصر فارابی کتاب موسیقی اوست . صفی الدین عبدالمومن ارموی هم در رساله شرفیه که کتابیست در موسیقی می‌نویسد که ابن‌الاحوص شهرود را در سال ۳۰۶ هجری اختراع کرده است ، ازینجا معلوم می‌شود که ابوحفص سغدی که باین الاحوص هم معروف بوده آلتی در موسیقی باسم شهرود در سال ۳۰۶ اختراع کرده و پس از آن کتابی در لغت فارسی تالیف کرده است . سروری در مجمع‌الفرس چهارجا ازین کتاب مطالبی نقل کرده :

يك جا در لغت اخش بمعنی ارزش می‌نویسد : در رساله ابوحفص سغدی بوزن رخس آمده و باین بیت عنصری متمسك شده :
 خود فزاید همیشه گوهر اخش خود نماید همیشه مهر فروغ
 دوم در کلمه جالب بمعنی نابکار می‌نویسد : در نسخه ابو حفص سغدی بمعنی شور و فتنه و غوغا نیز آمده ، ناصر خسرو عامه بر من تهمت دینی و فضلی می‌نهند
 بر سرم فضل من آورد این همه شور و جالب

سوم در لغت خس و خاش بمعنی خس و خاشاك می نویسد ابوحفص سفدی خاش را بمعنی خائیدن آورده خواه از انسان خواه از حیوان و باین بیت رودکی متمسك شده :

نشست و سخن راهمی خاش زد ز آب دهان کوه راشاش زد
(شاش بمعنی لعاب و ترشحت) .

چهارم در لغت دیراند بمعنی دهر و زمان می نویسد : ابوحفص سفدی دیراند را بمعنی تعویذ آورده و باین بیت رودکی متمسك شده که می فرماید:

ایا سرومن در تکاپوی آنم که دیراند آسا پیچم بتوبر
در لغت دوم که سرورے شعر ناصر خسرو را آورده ظاهراً آن شعر را از خود افزوده است زیرا که در سه مورد دیگر صریحاً می نویسد بشعر عنصری و رودکی متمسك شده و درین مورد این تصریح را ندارد و گویا خود سروری از شعر ناصر خسرو شاهدهی بر معنی خاصی که ابوحفص ذکر کرده است بدست آورده و برای تأیید گفته ابوحفص نقل کرده است زیرا که ناصر خسرو در سال ۳۹۴ بگفته خود متولد شده و در صورتی که سن بیست سالگی بشعر شروع کرده باشد آغاز شاعری او سال ۴۱۴ می شود و آن صد و هشت سال پس از آن تاریخست که ابوحفص شهرود را اختراع کرده است و البته این از قراین طبیعی بسیار دور است ولی در سه مورد دیگر از فحوای کلام پیداست که دو شعر رودکی و يك بیت عنصری در اصل نسخه ابو حفص بوده است زیرا که صریحاً می نویسد متمسك شده . درباب رودکی بهیچ وجه تردید نیست زیرا که رودکی در سال ۳۲۹ مرده است و کسی که آلتی از موسیقی را در سال ۳۰۶ اختراع کرده باشد

قطعاً معاصر با رودکی می‌شود و مرک رودکی بیست و سه سال پس از آن اختراع روی داده است و طبیعی است چنین کسی شعر رودکی را در کتاب خود شاهد می‌آورد زیرا که در آن زمان رودکی یکی از معروف‌ترین رجال عصر بوده است ،

اما در باب عنصری هم بعید نیست زیرا که عنصری در سال ۴۳۱ فوت کرده و بقراین طبیعی و چنانکه ظواهر امر حکم میکند ممکنست شصت سال شاعری و هشتاد سال عمر کرده باشد و آغاز شاعری او در سال ۳۷۱ یعنی در سن بیست سالگی او بوده باشد و این موقع ۶۵ سال از تاریخی که ابوحفص شهرود را اختراع کرده گذشته باشد و چنانکه تصور کنیم ابوحفص در همین زمانها رحلت کرده و بین هشتاد و نود سال عمر کرده باشد در حدود ۲۸۱ یا اندکی بعد از آن ولادت یافته و در زمانی که شهرود را اختراع کرده است بیست و پنج سال یا کمتر داشته است ، اما بهترین دلیل عمر طویل عنصری اینست که او شعر بسیار داشته و از آن جمله چند مثنوی که از میان رفته و بعضی ابیات آن مانده است و این دیوان او که امروز در میان ما متداولست فقط شامل مسدایح آخر عمر اوست که مداح سلطان محمود غزنوی و برادرش نصر ابن ناصرالدین بوده و از پختگی همین اشعار پیداست که در زمان سرودن آن پیرو در شعر بسیار مجرب بوده است .

این کتاب ابوحفص سفدی در لغت فارسی ظاهراً قدیم ترین کتابیست که درین فن تألیف شده .

قرین بهمین عصر و شاید در همان زمانی که ابوحفص سفدی کتاب خود را تألیف کرده است یا اندکی پیش از آن کتاب دیگری در لغت فارسی تألیف شده که معلوم نیست فارسی بفارسی

یا فارسی بعربی بوده است ولی چون مؤلف آن ابوالقاسم عیسی بن علی بسرعلی بن عیسی بن داود بن الجراح وزیر مقتدر خلیفه عباسی است که در بغداد و در دستگاه خلافت زندگی میکرده و بنا بر حوائج آن زمان دربار بنی عباس احتمال قوی می رود که در لغت فارسی بعربی بوده باشد. از این کتاب فقط ابن الندیم در «کتاب الفهرست» ذکری کرده و پس از ذکر علی بن عیسی بلا فاصله نام این پدر را آورده و در حق او گفته است که در منطق و علوم قدیم یگانه عصر بود و از مؤلفات او بود «**کتاب فی اللغة الفارسیه**»، و در آنجا تولد و وفات او را نوشته است که هر دو از نسخه های موجود کتاب الفهرست افتاده و جای آن سفید مانده است ولی چون پدرش علی بن عیسی در ۳۳۴ رحلت کرده مسلمست که پسر هم در حدود اواسط قرن چهارم بوده و با ابو حفص سفیدی معاصر میشود.

۵۲۱

پس از لغت ابو حفص بفاصله هشتاد یا نود سال در آذربایجان کتاب دیگری تألیف شده و مؤلف آنهم شاعر معروفست، شرف الزمان قطران بن منصور ارموی متوفی در ۴۶۵ که قطعاً کتابی در لغت فارسی داشته و مؤلف کشف الظنون اسم آنرا «تفاسیر» ضبط کرده است.

مقارن همان زمان اسدی طوسی شاعر معروف که او هم در آذربایجان و اران زندگی میکرده است و قطعاً با قطران ملاقات کرده ولی چند سال از قطران جوان تر بوده است پس از تألیف قطران کتاب دیگری در همین فن پرداخته است که باسم «**لغت فرس**» یا «**فرهنگ اسدی**» معروفست و قدیم ترین کتابیست در لغت فارسی که نسخه آن بدست ماست. در باب این اسدی و اسدی دیگر که وی را استاد فردوسی و پدر این اسدی مؤلف کتاب میدانند

اختلافات بسیار در میانست که وقتی دیگر باید بسمع آقایان برسانم عجالة همین قدر باختصار اشاره میکنم که تذکره نویسان شاعری را بتخلص اسدی ذکر میکنند که اسم او را ابونصر احمد بن منصور طوسی می نویسند و کتاب شاهد صادق رحلت او را در سال ۴۲۵ ضبط کرده است و او را استاد فردوسی میدانند و چهار مناظره بوی نسبت میدهند که باقرب احتمالات آن چهار مناظره هم از نویسند و شاید این اسدی مقیم طوس و استاد فردوسی و متوفی در ۴۲۵ اصلاً افسانه باشد و از مجعولات تذکره نویسان باید دانست .

در هر حال اسدی دیگری در آذربایجان و اران بوده است که بعضی او را پسر این اسدی مشکوک تذکره نویسان می دانند و در بودن او هیچ شك نداریم زیرا که سه اثر مسلم از باقیست: اول نسخه ایست از « کتاب الابنیه فی حقایق الادویه » تألیف ابو منصور موفق بن علی هروی بزبان فارسی که معلوم نیست بچه جهة بعضی آنرا تألیف شده در زمان نوح بن نصر پادشاه سامانی دانسته اند زیرا که در خود کتاب بهیچوجه چیزی که دلالت بر تألیف آن در زمان نوح بن نصر بکنند نیست و در جایی هم این نکته ثبت نشده . نسخه منحصری که از این کتاب بوجودست در کتابخانه شرقی وینه ضبطست و آن نسخه بخط این اسدی است که در ماه شوال ۴۴۷ آنرا تمام کرده و در آخر آن رقم کرده است علی بن احمد اسدی طوسی .

این نسخه که قدیم ترین نسخه فارسیست که ما سراغ داریم بخطی میان نسخ و کوفی و در نهایت استادی نوشته شده و معلوم میشود اسدی خطاط و خوشنویس عصر خود هم بوده است .
دومین اثری که ازو داریم مثنوی معروف گرشاسب نامه است

که پس از شاهنامه بهترین منظومه های بحر متقارب ماست و آن کتاب را اسدی بنام ملك ابودلف کرکری پادشاه اران در سال ۴۵۸ هـ نام کرده است. و این ملك ابودلف که یکی از ممدوحین قطران هم هست و شاید اسدی بلافاصله پس از قطران شاعر دربار او شده باشد از سلسله شیبانیان و امیر اران بوده و ظاهراً شعرای فارسی زبان را می پرورده است.

سومین اثری که از اسدی مانده همین کتاب لغت فرس اوست که در نسخه چاپی آن اسم مؤلف ابوالحسن علی بن احمد اسدی طوسی و در يك نسخه خطی ابومنصور بن علی بن احمد اسدی طوسی ثبت شده و در نسخه سومی که قدیم ترین نسخه های معروفست مقدمه ای هست که در آن می نویسد: « بدان که فیخر مردم بر جانوران دیگر بسخن گفتنت و سخن را تمامی بمعنیست و از دو گونه آمده است یکی گونه تظمت و دیگری گونه شر و اندر کتاب منطلق آنچه آداب سخن گفتن باشد همه گفته اند و غرض ما از این لغات پارسیست که دیدم شاعران را که فاضل بودند ولیکن لغات فارسی کم میدانستند و قطران شاعر کتابی کرد و آن لغت ها بیشتر معروف بودند پس فرزندم حکیم جلیل او حدار د شیر بن دیلم سالار النجمی الشاعر ادام الله عمره از من که ابومنصور بن علی بن احمد الاسدی الطوسی هستم لغت نامه ای خواست چنانکه برهر لغتی گواهی بود از قول شاعری فاضل از شعرای پارسی و آن بیتی بود یا بدو بیت و بترتیب حروف ابا تا ساختم...»

ازین کتاب لغت فرس اسدی نسخه ای بتوسط پاول هرن مستشرق آلمانی چاپ شده است ولی بعقیده بنده آن نسخه اصل نیست زیرا که اشعاری از شعرائی دارد که مدتها پس از اسدی

بوده اند . از آن جمله معزی سمرقندی ملك الشعرای دربار ملكشاه و پسرش سنجر که در ۴۲ هـ تقریباً هشتاد سال پس از عصر زندگی اسدی رحلت کرده و ابوظاهر خاتونی دبیر معروف سلجوقیان که تقریباً هفتاد سال پس از عصر اسدی بوده و مهستی گنججوی معروف به مهستی دبیر شاعره مشهور دربار سلطان سنجر که او هم تقریباً نود سال بعد از اسدی بوده است .

محکم ترین دلیل برینکه این نسخه چاپی نسخه اصل نیست اینست که در آن يك شعر از قطران را بنام رودکی ثبت کرده اند و بنده بدلائل مفصلی که امشب مجال ایراد آن نیست و در مجلد دوم کتاب احوال و اشعار رودکی یاد داشت کرده ام و بهمین زودی از نظر آقایان خواهد گذشت عقیده دارم که فقط از اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم معمول شده است که شعر قطران را در کتاب فارسی باسم رودکی ثبت کنند و در هر صورت مسلمست که اسدی ممکن نبوده است شعر قطران معاصر خود را با شعر رودکی که در آن زمان در تمام ایران رواج داشته است اشتباه کند . پس احتمال قوی می رود که این نسخه چاپی لغت فرس اسدی یا نسخه ایست که مؤلف دیگری اختلاش کرده و بعضی اشعار شعرائی را که پس از اسدی آمده اند و يك بیت از قطران را باسم رودکی در آن داخل کرده تا تصرفی کرده باشد ، یا اینکه کاتبی در استنساخ آن این تصرف را روا داشته است .

تاریخ تالیف فرهنگ اسدی معلوم نیست ولی یقینست که پس از نظم گرشاسب نامه یعنی بعد از سال ۵۸ هـ آنرا تمام کرده زیرا که در آن يك بیت از گرشاسب نامه خود را آورده است یا اینکه در حین اشتغال بنظم گرشاسب نامه بتالیف این کتاب نیز پرداخته و

چون از کتاب تفاسیر قطران در مقدمه آن ذکر می‌کنند پیداست که آن کتاب راهم دیده است .

لغت فرس اسدی در نسخه چاپی شامل ۱۲۰۵ لغت و در يك نسخه خطی که معتبر تر و کامل ترست شامل ۱۱۰۸ لغتست . لغات در آن بترتیب حروف هجا و بنا بر حرف آخر ثبت شده ، یعنی تمام لغاتی که حرف آخر آنها الفست در يك جا و همین طور تا حرف یاء ، اساس کتاب بر آن گذاشته شده است که هر لغتی در يك یا دو و گاهی چند بیت شاعری از گفته شاعری داشته باشد ولی هم در نسخه چاپی وهم در نسخه خطی گاهی میشود که لغتی شاهد ندارد و پیداست که شاهد آن در نسخه بر داری افتاده است . نسخه چاپی شامل ۱۳۳۹ بیت و نسخه خطی شامل ۹۱۵ بیت است .

۵۲۵

وایده بسیار مهم این کتاب برای ادبیات ما اینست که گذشته از فوائد لغوی بسیار عده کثیری اسامی و اشعار شعرائی در آن هست که در هیچ کتاب دیگر اندک ذکری هم از آنها نیست و چون زمان تألیف کتاب پیداست واضحست که این شعرای فارسی زبان از شعرای دوره سالمانی در قرن چهارم و احياناً از شعرای قرن پنجم بوده اند .

شعرائی که در نسخه چاپی و خطی هر دو اشعار ازیشان هست ۴۸ نفرند بدین قرار :

اشنایی جویباری که در نسخه خطی نام او اشامی جویباریست -
 اغاجی - اورمزدی - بهرامی - پیروز مشرقی که در نسخه خطی
 نام او فقط مشرقی ضبط شده - جلاب بخاری که در نسخه خطی
 فقط جلاب است - حكاك - خجسته سرخسی - ابوطاهر خسروانی -

خسروی - خفاف - دقیقی - رشیدی در نسخه چاپی و در نسخه خطی اسمعیل رشیدی - رودکی - زرین کتاب - زینتی که در نسخه خطی يك جا زینبی ثبت شده - شاکر بخاری - بوشکور - شهره آفاق - شهید - صفار مرغزی در نسخه چاپی و صفار در نسخه خطی - طاهر فضل - طیان مرغزی در نسخه چاپی و در نسخه خطی طیان - ابوالعباس عباسی در نسخه چاپی و در نسخه خطی ابوالعباس و يك جا عباسی - عبدالله عارضی در نسخه چاپی و در نسخه خطی عبدالله عارض - عسجدی - ابوالعلاء ششتري - بو علی الیاس - بو علی سیم جور در نسخه چاپی و در خطی سیم جور - علی قرط اندگانی در چاپی و در خطی علی قرط - عماره - عنصری - غواص - ابوالفتح بستي - فرالوی - فرخی - فردوسی - قریع الدهر - کسائی - لیبی - ابوالمثل - مظفری - مسعودی غزنوی در چاپی و در خطی مسعود غزنوی - معروفی - منجیک - منوچهری - ابوالمؤید در چاپی و در خطی ابوالمؤید بلخی - یوسف عروضی .

در نسخه چاپی اسم و شعر از سی و يك نفر شاعر هست که در نسخه خطی نیست بدین قرار : نظامات فرخی

حمد جامی - ملک احمد بزمک - اسدی طوسی - کیا حسینی قزوینی - ابوحنیفک اسکاف - خطیری - روزبه نکستی - سرودی - بوسعید خطیری - شاهسار - بوشریف - بوشعیب هر وی - موفق الدین ابوطاهر خاتونی - بو عاصم - عرتامی - عیاضی - حکیم غمناک - ابوالقاسم مهرانی - قصارامی - لمعانی عباسی - محمودی - مرادی - مرصعی - مرواریدی - مسکور - ابوالمظفر خنج - مشفق بلخی - معزی - مهستی - نجار - شناس

در نسخه خطی از بیست و يك نفر شاعر اسم و شعر هست که در نسخه چاپی نیست بدین قرار :

ابوالحسن - ابوالخطیر کوزکانی - ابوالقاسم مودب - ابو

علی حاجی - ابونصر مرغزی - ابهری - ازرقی - برحیس - پدو -
چرخ - حصری - خبارقائینی - دقایه - طاهر خسروی - طخاوی -
غیائی - فاخر - قابل - قریع الفرس - لولوی - مجلدی.

ازین قرار در دو نسخه مختلف این کتاب اسامی و اشعار
صد نفر از شعرای قدیم قرن چهارم و پنجم ایران باقی مانده است
و چنانکه آقایان ملاحظه فرمودند از اغلب ایشان اسمی در هیچ
کتاب دیگر نتوان یافت و از بعضی دیگر اطلاعات مختصر و
یکی دو بیت بیشتر در تذکره‌ها نیست. نسخه چاپی شامل ۸۱ نفر
شاعر و نسخه خطی شامل ۷۰ نفر شاعریست و این نسخه دوم بیست
و هفت شعر دارد که نام گوینده آن تصریح نشده است.

این مدت سی سال از اواسط قرن پنجم را در ادبیات ایران
باید عصر تالیف کتاب لغت دانست زیرا گذشته از دو تالیف قطران
و اسدی که هر دو درین عصر انجام گرفته است قدیم ترین کتاب
لغت ترکی هم در همان دوره تالیف شده و آن کتاب بسیار معتبر
و دقیقست با اسم «**دیوان لغات الترک**» تالیف محمود بن حسین بن محمد
کاشغری که در سال ۴۶۶ تالیف کرده است و چون در زمانی تالیف
شده که ترکان تازه بممالک اسلام و مخصوصاً بایران آمده بودند
و هنوز مردم بلغات ایشان مانوس نبودند البته این کتاب که در ترجمه
لغات ترکی عربیست فواید بسیار در آن عصر بخشیده است و شاید
هنوز هم نظری نداشته باشد.

قدیم ترین کتاب لغت فارسی عربی هم ظاهراً در همین دوره
تالیف شده و آن کنایست با اسم «**کتاب المصادر**» تالیف قاضی ابو
عبدالله حسین بن احمد زوزنی متوفی در ۴۸۶ و چنانکه از اسم
کتاب معلوم می شود مجموعه مصادر زبان عرب و شرح آن
فارسیت ،